

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشحالیم از خدا شکر می کنیم که این توفیق را به ما داده که بعد از اینکه یک دوره تفسیر کردیم خطبه فدک را داریم امامت را در خطبه فدک بررسی می کنیم، حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از اینکه استدلالاتی کردن به آیات ارث که امامت خیلی مستقیم ربطی ندارد «التفتت الی قبر ابیها فخنقتها العبرة و قالت» بعدا توجه کردن به قبر پدر در مسجد که صحبت می کردن و گریه گلوشان رو گرفت و از چشمایشان جاری شد بعد عباراتی را گفتن که عبارات این است که:

قد کان بعدک انباء و هنبئة لو کنت شاهدها لم تکثر الخطب

انا فقدناک فقد الارض وابلها واخلت قومک فاشهدهم ولا تغب

وکل اهل له قریبی و منزلة عندالاله علی الادنین مقترب

ابدت رجال لنا نجوی صدورهم لما مضیت وحالت دونک الترب

خلاصه می گویم بعد از تو خبرهایی واقع شد به ما جفا کردن، بعد می فرمایند:

تجهمتنا رجال واستخف بنا لما فقدت و کل الارض مغتصب

می فرماید: مردمانی و مردانی به ما هجوم آوردن و ما را با ترش رویی به ما روی آوردن و ما را خار کردن موقعی که تو از دنیا رفتی ، همه زمین الان غصب شد. بعد می گویند که:

سيعلم المتولى ظلم حامتنا يوم القيامة انى سوف ينقلب

اینجا که گفتند: «سيعلم المتولى ظلم حامتنا» این به اصطلاح اشاره است به غصب مقام ولایت و امامت به زودی کسی که به طرفداران ما ظلم کردن خواهند فهمید در روز قیامت که کجا می روند به ما که ظلم کردن طرفداران ما طرفداران امامت و ولایت هستند و طرفداران اینکه فدک به ظلم گرفته شده

و کنت بدرا و نورا يستضاء به عليك تنزل من ذی العزة الكتب

تو ماه شب چهارده بودی پیغمبر و نور بودی که ازش استفاده می شد از طرف خداوند متعال نوشته ها بر تو نازل می شد

وکان جبریل بالایات یونسنا فقد فقدت و کل الخیر محتجب

جبریل مرتب با آیات قرآن مونس ما بود تو که رفتی تمام خیرها در حجاب قرار گرفت

ضاقت علی بلادی بعد ما رحبت و سیم سبطاک خسفا فیه لی نصب

اینجا هم به امامت اشاره کردن منتها به دو تا فرزندانش ، تنگ شد بر من شهرهای من بعد از اینکه شهرهای وسیعی بود و در فقدان این دو نوه ات چهره‌هایشان به خاموشی رفت و من در زحمت هستم

فلیت قبلک کان الموت صادفنا لما مضیت و حالت دونک الکثب

ای کاش قبل از تو ما می‌مردیم و مرگ ما را فرا می‌گرفت و قبل از اینکه از دنیا بروی وتل های ریگ بین ما و تو فاصله شود

«انا رزئنا بما لم یرزذو شجن» مصیبتی بر ما وارد شد که بر هیچ صاحب مصیبتی وارد نشده «من البریة» از مخلوقات «لا عجم ولا عرب» نه عرب نه عجم این مصیبتی را نداشتن چون هیچ کس پیغمبر را نداشت که پیغمبرش از دستش برود این بزرگترین مصیبت است.

فسوف نبکیک ما عشنا وما بقیت لنا العیون بتهمال له سكب

ما همواره شب و روزمان گریه خواهیم کرد تا مادامی که چشم داریم و اشک داریم بعد این سه بیت را گفتند و گله کردن، اینجا تمام می‌شود.

بعد از اینکه اینها را گفتند، فرمودند: «ثم رمت بطرفها نحو الانصار فقالت» چشمها و توجهات خودشان را کردن به سمت انصار، چرابه سمت انصار! اول مهاجران و انصار بودند و هیئت دولت بود چون انصار دعوت کرده بودند پیغمبر و آلش را که بیایند مدینه. از اینجا معلوم می‌شود که انصار و مهاجران جدا می‌نشستند در مسجد خوب آن وقت ها هنوز آن رسم های قبیله ای بوده که انصار یک طرف و مهاجران یک طرف می‌نشستند وقتی توجه کردن به طرف انصار بعد با انصار صحبت کردن. گفتند: «یا معشر البقیة واعضاد الملة و حضنة الاسلام» شما مگه حافظان اسلام نبودید؟! «ما هذه الفترة عن نصرتی» چرا انقدر سستید نسبت به یاری من؟! من کی هستم؟ من کی هستم را معرفی کردن امامت ما و اطاعت ما یعنی من دستگاه امامت و اطاعت هستم. «ما هذه الفترة عن نصرتی والونیة عن معونتی والغمیزة فی حقی والسنة عن ظلامتی» چهار تا اعتراض کرد بر ظلم به دستگاه امامت این خیلی مهمه، یکی اینکه «ما هذه الفترة عن نصرتی» چرا دستگاه امامت را یاری نمی‌کنید نصرت من یعنی نصرت امامت ۲- «والونیة عن معونتی» ضعف پیدا کردید در کمک به من ۳- «والغمیزة فی حقی» از حق من غمزین کردید چشم پوشی کردین غمیزه یعنی چشم پوشی کردید ۴- «والسنة عن ظلامتی» من مظلوم واقع شدم شما دارین چرت می‌زنید یعنی در خوابید ۴ اعتراض کرده و تمام اینهایی که گفتند: معونتی ، حقی ، نصرتی و ظلامتی این نشان می‌دهد که می‌خواهد که به دستگاه امامت بگوید مگر نه شخص حضرت زهرا سلام الله علیها از خودش که دفاع نمی‌کند ایشان به عنوان دختر پیغمبر و دستگاه امامت. بعد می‌فرماید: «اما کان رسول الله ابی یقول: المرء یحفظ فی ولده» آیا پیغمبر نگفت که مرد شخصیتش در میان فرزندانش حفظ می‌شود آنوقت فرزندان پیغمبر دو تا جنبه دارند یکی جنبه عاطفی دارد که این مهمه ولی مهمتر اینکه فرزندان پیغمبر جانشینان

پیغمبر هستند در مورد مردم معمولی علت اینکه می گویند به فرزندان ما احترام کنید و این جمله پیغمبر که « المرء یحفظ فی ولده » بخاطر اینکه شخصیت هر کسی در میان فرزندان حفظ می شود و نگه داشته میشود و چقدر هم روایت داریم به شاگردان توصیه می کنند معلم یکی از حقوقش این است که معلم وقتی از دنیا رفت به خانواده اش سر بزیند و احوالشان را بپرسید. اونوقت در مورد پیغمبر اکرم این ولد پیغمبر غیر از این که ولد پیغمبر هستند چی هستند؟ جانشینان پیغمبر هستند و امامت و رهبری را دارند لذا این اعتراض در واقع به امامت هست بعد می فرماید: چقدر شما بی وفا هستید! «سرعان ما احدثتم و عجلان ذاهال» چقدر شما حادثه ایجاد کردید و چقدر با عجله از شیر بز روغن گرفتید این یک ضرب المثل هست وقتی که می خواهند بگویند خیلی عجله کردید می گویند از شیر بز روغن گرفتید که این ذاهال هست درحالتی که شما داشتید. چقدر شما بی وفا هستید! اتقولون مات محمد رسول الله؟ مرد تمام شد، دین تمام نمی شود چرا دین تمام نمی شود؟ برای اینکه بقائش با جانشینی پیغمبر و ولد پیغمبر هست. «و خطب والله جلیل، استوسع وهیه وستنهر فتقه، و فقد راتقه و اظلمت الارض لغیبه و اکتابت خیره الله و کسفت الشمس و القمر وانتشرت النجوم لمصیبه» در مصیبت پیغمبر همه چی به هم خورده ولی کتاب خدا قبلا این را اعلام کرده بود که پیغمبر از دنیا رفتنی هست. «اعلن بها کتاب الله فی افنیتمکم و فی ممساکم و مصبحکم یهتف بها فی اسماعکم» قرآن مدام اعلام کرده که پیغمبر از دنیا می رود، پیغمبر از دنیا می رود دین تمام می شود؟ خیر قرآنش هست جانشینش هم هست اینجا هم اشاره به امامت و ولایت دارد. آنوقت می فرمایند: «یهتف بها فی اسماعکم» در گوش های شما مرتب پیام های قرآن هست که چیکار می کند؟ «هتافا و صراخا و تلاوة و الحانا» هم صدای قرآن می آید، هم فریاد می زند هم آرام صحبت می کند هم حرف می زند. همواره بانگ و فریاد و تلاوت و آوازش به گوش شما می رسد در باره چی؟ درباره اینکه پیغمبر از دنیا می رود اما با رفتن پیغمبر دین تمام نمی شود. حافظ و نگهبان دین کی هست؟ نگهبان دین جانشینش هست بعد می گوید که قبلا هم پیغمبران و رسل از دنیا رفتن این قضای حتمی است که خداوند می فرماید: «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین» (آل عمران ۱۴۴) که پیغمبر از دنیا رفتنی هست آیا اگر پیغمبر بمیرد یا کشته شود شما به گذشته خود برمی گردید؟! باید به دینتان ثبت قدم باشید آقا از کی پیروی کنیم؟ خیلی طبیعی هست، بعد از تو از به کی مراجعه کنیم اگر تلفنم خراب شد؟ می گویم به اینجا مراجعه کنید برای خودشان نائب معرفی می کنند. بعد هم حضرت مفصل به بنی قیله مراجعه می کنند که از انصار هستند که از فرزندان قیله هستند قیله یک زن خوش نامی بوده که فرزندانش همه حسابی بودن انصار و قبیله اوس و خزرج از فرزندان قیله بودند. گفت: «ایها بنی قیله» او ای پسران قیله شما نشستید و می بینید و می شنوید که به من ظلم می شود و همه چی دارید و می توانید کار بکنید. بعد می فرماید: «و عندکم سلاح و الجنة، توافیکم الدعوة فلا تجیبون؟!» دعوت پیغمبر و دعوت من به شما می رسد شما جواب من را نمی

دهید؟ من آدمم با شما صحبت می کنم میگویم به ما ظلم شده «فلا تجیبون؟!» «و تاتیکم الصرخة ولا تغیثون؟!» صدای ناله من به شما می رسد شما پناه نمی دهید؟! شما قبلا کسانی بودید که بدون شمشیر و نیزه با دشمن می جنگیدید معروف به خیر و صلاح بودید. یک مقدار از آنها تعریف می کند که شما در گذشته چه بودید تا می رسند به بخش پانزده. خیلی بخش پانزده بعد از اینکه این تذکرات را می دهد که شما اهل خیر و صلاح بودید شما انصار ر دفاع کردید چیکار کردید ما را آوردید به شهرتان بعد می فرماید: «فانی جرتم بعد البیان و اسررتم بعد الاعلان و نکصتم بعد الاقدام و اشركتم بعد الایمان» «بینید این چهار جمله دیگر جمله های اعتراض به مسئله فدک نیست. «فانی جرتم بعد البیان» پس از روشنی حق به کجا رفتید؟! «و اسررتم بعد الاعلان» بعد از اعلان اسلام و نیابت پیغمبر چرا پوشانیدید؟! اسرار یعنی سر قرار دادید پوشانیدید، «و نکصتم بعد الاقدام» بعد از اینکه جلو آمدید بازگشتید!، «واشركتم بعد الایمان» بعد از اینکه ایمان آوردید ایمان برای کی هست؟ برای امیرالمومنین است. بعد از اینکه ایمان آوردید به پیغمبر ایمان آوردید به امیر امیرالمومنین مشرک شدید! «و جینتم بعد الشجاعة» بعد از شجاعت ترسیدید از قومی که «عن قوم نکثو ایمانهم من بعد عهدهم» پیمان هایشان را شکستن. پیمان ها که راجع به فدک نبود که راجع به امامت امیر المومنین بود. شما ترسیدید بعد از شجاعتی که داشتید از قومی که بعد از اینکه پیمان بستن تعهداتشان را شکستن «و طعنو فی دینکم» در دین شما طعن کردن. این که می گویم این همه اش راجع به ائمه و امامت هست از این قسمت آیه که خواندن «فقاتلو ائمة الکفر انهم لا ایمان لهم» این پیشوایان کفر را با ایشان بجنگید آنها تعهداتشان را انجام ندادند «لعلهم ینتهون» شاید از کارشان دست بردارند. دارند به انصار و مهاجرین می گویند آنها که آمدند سر حکومت منتها صریح نمی گوید ولی همه همین را فهمیدن فهمیدن که منظورشان چیست. «الا تقاتلون قوما نکثو ایمانهم» اول که آمد گفت که شما فدک من را گرفتید فدک را کی گرفته؟ خلیفه اول گرفته خلیفه اول گرفته بعد هم خلیفه خودش دفاع کرد اینجا همه را جمع می بندد. «الا تقاتلون قوما نکثو ایمانهم» آیا قومی را که شکستن عهد هایشان را با ایشان نمی جنگید! «وهمو باخراج الرسول» آنها بی که پیغمبر راهمت کردن از مکه خارج کردن الانم همان ها هست که شما را گول زده و مخالفت کردن. «هم بدو وکم اول مرة اتخسونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مومنین» تمام این عبارت عبارتت است که از اینجا مردم فهمیدن که ایشان غیر از فدک بالاتر فدک را دارد که امامت است. آنوقت این جمله بیشتر نشان می دهد می فرماید: «الا و قد اری والله ان قد اخلدتم الی الخفض» آگاه باشید که می بینم بخدا قسم به زمین چسبیدید. «و ابعدم من هو احق بالبسط والقبض» و دور کردید از مقامش کسی را که سزاوار به دادن و گرفتن بود، بسط و قبض اصطلاح است یعنی بگیر بستان. «و ابعدم من هو احق بالبسط والقبض رکنتم الی الدعة» ببینید این «و ابعدم من هو احق بالبسط والقبض» دور کردید کسی را که سزاوار بود به پهن کردن و جمع کردن پهن کردن و جمع کردن یعنی کسی که مدیریت امور را دارد یعنی امیرالمومنین اینجا دیگه خیلی نزدیک شدن. و از زندگی وسیع به جای تنگ پناه آوردید «ونجوتهم بالضیق من السعة» بعد می

گویند عیب ندارد» وان تکفروا انتم ومن فی الارض جميعا فان الله غنی حمید» اگر همه شما هم کافر شدید خدا بی نیاز است به چی کافر شدید به فدک؟ فدک که یک جزئی است کافر شدید به نیابت امیرالمومنین اینجا هم اشاره به امامت و نیابت و ولایت امیرالمومنین است. بعد هم یک آیه خواندن «الم یاتکم نبا الذین من قبلکم» بعد که این ها را گفتند، بعد فرمودند: «الا وقد قلت الذی قلت علی معرفه منی بالخذله التي خامرتکم» تنها گذاشتن من جز خمیره وجودتان شده «والغدره التي استشعرتها قلوبکم» غدره یعنی بی وفایی، این بی وفایی و گول زدن جزئی از قلبتان شده می دانم اینها را ولكن این ها را که گفتم جانم به لب رسیده نیزه ام کند شده یقین شما کم شده و سینه من تنگی می کند و خواست حجت را بر شما تمام کنم» ولكنها فیضه النفس و نفثه الغیظ و خورالقناه وضعف اليقین و بثه الصدر و معذره الحجة» خواستم حجت را بر شما تمام کنم. این که من می گم که همه فهمیدن که ایشان راجع به خلافت و امامت صحبت می کنند و فدک فقط یک زمینه بوده این جمله بعدی است «فدونکموها» یعنی چی؟ یعنی اکنون ابصار خلافت یا فدک را بگیرد و ببرید و بیشتر به ابصار خلافت می گویند چون به اصطلاح به یک مالکیت نمی گویند که ابصارش را بگیرد ابصار را به چیزی می گویند که خیلی قوی تر و بزرگ تر باشد. «فاحتقبوها» بر شتر مقصود سوار شوید «مدبره و ظهر» در حالیکه پشتش زخم است «مهیضة العظم» استخوانش شکسته است «خورا القناه» جانش ضعیف هست «ناقبة الخف» پایش شکسته است «باقية العار» عار او باقی خواهد ماند «موسومة بغضب الجبار و شنارالابد» علامتش این که خدا به شما غضب کرده و عیب ابدی دارید. «موصولة» این کار شما چسبیده است به این آیه «بنارالله التي تطلع علی الافئده، انها علیهم موصدة فی عمد ممددة» آخرهای صحبتش را خیلی تند صحبت کردن «فبعین الله ما تفعلون» بدانید که خدا می بیند شما که چکار می کنید این همه تغییرات دادید. «وسیعلم الذین ظلمو ای منقلب ینقلبون» حضرت زهرا سلام الله علیها برای این که نشان بدهد من کی هستم بعدا منکر نشوند فرمودند: «ایها ناس اعلمو انی فاطمه و ابی محمد رسول ربکم» خب چند جا هم مدام گفتند پدرم شانزده جا گفتن پدرم دوباره اینجا گفتن «وانا ابنة» و از پیغمبر صفتی را گفتند که جنبه انذار دارد این آیه قرآن را که «نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» یعنی پیغمبری که انذار دهنده است از روز رستاخیز شما را از عذاب سخت آن می ترساند. گفت «و انا ابنة» پیغمبر را ایجوری معرفی کرد با نیم آیه «ابنة نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» من آن هستم که کسی بعدا منکر نشوند که این یک زنی بوده آمده یک حرفی زده بعد هم همه اش آیه خواند «فکیدونی جميعا ثم لا تنظرون» مکس کنید دوباره من به عنوان دختر پیغمبر «فاعملو انا عاملون وانتظرو انا منتظرون» که این را می گویند معمولا باشد یک روزی می آید دوباره فرمودند: «و سيعلم الکفارلمن عقبی الدار» بعد هم فرمودند: «و قل اعملو فسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون» که این والمؤمنون امیرالمومنین علی علیه السلام است باز به امامت اشاره کردن، هر کاری می خواهید بکنید بزودی خدا عمل شما را به شما نشان می دهد و رسولش و مومنون یعنی امیر المومنین علی علیه السلام بعد هم تذکر دادند «وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه» طائر اصطلاح

است پرنده هر انسان را به گردنش می اندازیم منظور از طائر چی هست نامه عملش است نامه اعمالش به گردنش است این یک اصطلاح ادبی هست طائر بخاطر پرنده این که خیلی مورد علاقه انسان هست و انسان خیلی علاقه دارد با پرنده باشد نامه عمل را در اصطلاح می گویند طائر، بعد هم فرمودند: « فمن يعمل مثقال ذرة خیر یره و من يعمل مثقال ذرة شر یره » پس می خواهیم این را بگوییم امامت را که نگهبان دین و نبوت و پیغمبری خداست نگهبان توحید هست در لابه لای سخنانش حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند یعنی ایشان یک اتمام حجتی کردند وقتی که خطبه فدک را ایراد فرمودند یک دوره اسلام شناسی احکام فلسفه احکام را گفته و فدک و آیات ارث هم گفتن بعد از این حرفهای حضرت حالا از قسمت بعدی که ملحقات خطبه است آنهایی که نشسته بودند آنجا فقط فدک نفهمیدن چی نفهمیدن؟ هم فدک نفهمیدن هم غصب مقام امیرالمومنین را نفهمیدن لذا بزرگانشان آمدند گفتند که اگر امیر المومنین قبلا با ما اتمام حجت می کرد و می گفت ما هرگز بر نمی گشتیم از آن و حضرت هم فرمودند که بعد از غدیر خم «ما جعل الله لاحد بعد غدیر خم من حجت و لا عذر»

التماس دعا